



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۶/۱۱/۳۰



حمید انوری

عاقبت گرگ زاده، گرگ شود...

افراد مسلح مربوط به جنرال دوستم یک متنفذ قومی را ربودند کابل (پژواک، ۶ قوس ۹۵): منابع در ولایت جوزجان می گویند که انجنیر احمد مسوول سازمان گروه کار و یکتن از متنفذان قومی، از سوی افراد مسلح جنرال عبدالرشید دوستم معاون اول ریاست جمهوری ربوده شده است.

قرار معلوم این "سازمان گروه کار"، از بقایای گروه کار دستگیر پنجشیری و توتۀ از آن دانه خبیثه باید باشد که از پیکر مریض حزب منحلۀ "دیموکراتیک خلق" به زمین افتاده است و رشید دوستم نیز نطفۀ چرکین و خونینی است که در بطن حزب "دیموکراتیک خلق" بسته گردید و پرورش یافت و اکنون هردو بجان هم افتاده اند.



انجنیر باتور پسر ارشد انجنیر احمد گفت که جنرال دوستم، شام دیروز در میدان بزکشی پل خراسان شهر شبرغان، ابتدا با پدرش مشاجره لفظی کرده و بعداً محافظین وی (جنرال دوستم) به میدان بزکشی آمده و او (پدرش) را با خود بردند.

رشید دوستم که معاون اول رئیس جمهور ساخته شده است، هرگز قادر نیست در جلسات داخلی حکومت و یا در مذاکرات

مقامات بلند پایه دولتی با مهمانان خارجی اشتراک نماید، چون نه اهلیت آنرا دارد و نه هم حرفی برای گفتن دارد. او در بهترین حالت یا باید در جبهات نامرئی که خود ایجاد میکند و خود آنرا گویا فتح میکند، جنگ های نمایشی را راه اندازد و یا هم مشغول شراب و کباب باشد و در بهترین حالت سفری به ترکیه یا ماسکو سرو سامان دهد تا دستورات جدید را مستقیماً از اربابان خارجی خود دریافت دارد.

کشتن و بستن و اختطاف و ترور و ریختن خون هم از مشغولیت های مورد علاقه او بوده و است.

باتور که قبلاً سمت ولسوال آقچه را برعهده داشت، از ربوده شدن پدرش توسط افراد جنرال دوستم، ابراز نگرانی کرده گفت: "معلوم نیست پدرم را کجا برده اند و تا کنون از پدرم، هیچ اطلاعی نداریم و تاکنون به خانه بر نگشته است."

و اما این چهره پشت پرده "انجنیر احمد ایشچی" که گویا "متنفذ قومی" بوده است و نیز عضو جنبش دوستم و عضو "گروه کار" و در زمان اقتدار نظامی دوستم در آن مأوا والی جوزجان و چند چیز دیگر که ما از آن اطلاع نداریم، کی است که یک پسر او "بابر ایشچی" عضو شورای ولایتی جوزجان و پسر دیگر او "باتور" هم ولسوال آقچه بوده است؟!

این گونه تقسیم و ترکه های خجالت بار و شرم آور که جنگ سالاران بی همه چیز تمام اعضای فامیل خود را در مقامات مختلف لشکری و کشوری نصب نموده و در همه کشور آنرا رایج ساختند، از الطاف شخصی بنام حامد کرزی به جنگ سالاران بود که کشور را به قهقرا رهنمون کرد.

بابر ایشچی عضو شورای ولایتی جوزجان، پسر دومی انجنیر احمد گفت که میان پدرش و جنرال دوستم، از مدت ها به اینسو اختلافات سیاسی وجود داشت و آنچه دیروز اتفاق افتاده، ناشی از همان مخالفت های سیاسی است که بین شان وجود داشته است.

اینها همه از یک قماش اند و در واقع از سیاست بوی هم نمی برند، اما جنگ و جدل و زد و خورد و کشت و خون و ترور و توطئه فقط و فقط جور نیامدن بالای غنایم است و اختلافات دوستم و انجنیر احمد عضو جنبش او هم دلیل دیگری نمی تواند داشته باشد.

موصوف افزود: "از وقتی که پدرم توسط افراد جنرال ربوده شده، تیلیفون هایش خاموش است و با ما تماس برقرار ننموده است."

ایشچی اضافه از این، خواست در مورد صحبت کند اما گفت: "من در خارج از کشور به سر میبردم و تازه در نواحی مرزی قرار دارم و بیشتر از این، در مورد چیزی نمیدانم."

چه بجا گفته اند: "ترس، برادر مرگ است"، فرزندان باتور انجنیر احمد فرار را بر قرار ترجیح داده و آنسوی مرز منتظر تغییر اوضاع اند و معلوم نیست که پدر باتور شان تا حال زنده است و یا سر به نیست گردیده. او اگر تا حال زنده هم باشد و بعدتر سر و کله اش از کدام سوراخی پیدا شود، به یقین که با تهدید ها و ضرب و شتم و توهین و تحقیر توسط دوستم و افراد او، علیه او لام تا کام چیزی نخواهد گفت. **زور حق است!!!**

انجنیر عبدالرحمان محمودی معاون والی ولایت جوزجان و سمونوال عبدالحفیظ خاشی آمر امنیت قوماندانی امنیه ولایت جوزجان، از این واقعه ابراز بی اطلاعی می کنند.

از والی و آمر امنیت که هر دو از مهره های رشید دوستم در جوزجان اند، توقع بیش از این نباید داشت، یکی و خلص آنان در مورد این آدم ربائی چیزی نمی دانند و گزارشی در مورد دریافت نکرده اند. یک نی و صد آسان.

آنها می گویند در رابطه به این موضوع، شکایتی مواصلت نکرده و از آن آگاهی ندارند.

یعنی اینکه اگر در روز روشن و یا شب تار، فرد یا افرادی را با زور و تهدید و تخویف از وسط شهر و حتی از مقابل ساختمان ولایت یا قوندانی امنیه بربایند و...، هیچ عکس العملی از مقامات مسؤل تا زمانی نشان داده نخواهد شد تا شکایتی در مورد مواصلت نکند، این است شار(شهر) خربوزه!!!

انجنیر احمد، قبلاً عضو فعال حزب جنبش ملی اسلامی افغانستان بود؛ اما در کنار آن عضویت گروه کار را نیز داشت و وی قبل از هجوم طالبان در شمال، در پست های کلیدی مختلفی ایفای وظیفه کرده است.

پس دیده می شود که این انجنیر احمد یکی از مهره های مورد اعتماد رشید دوستم بوده است که اکنون سر تقسیم باهم در جنگ اند.

انجنیر باتور پسر ارشد انجنیر احمد گفت که بعد از شکست گروه طالبان و تشکیل حکومت موقت، پدرش از کارهای سیاسی فاصله گرفت و به صفت یک منتفذ قومی ایفای وظیفه می کرد و در کارهای زراعتی نیز سهم می گرفت.

شاید او نظر به ملحوظاتی از کار گویا سیاسی فاصله گرفته باشد، اما هردو پسر خود را وارد این کار و زار نموده و خود از دور نظاره گر اوضاع بوده است و با ثروت های باد آورده مشغول خورد و خواب و توطئه چینی بوده باشد. هنوز دقیق نمی دانیم که چند نفر دیگر از فامیل و اقارب انجنیر صاحب در مقامات ملکی و نظامی و امنیتی مشغول خیانت اند.

خبرنگار پژواک تلاش نمود تا نظر بشیراحمد ته پنج سخنگوی جنرال عبدالرشید دوستم معاون اول ریاست جمهوری را در زمینه داشته باشد؛ اما باوجود تماس های مکرر و ساعت ها انتظار، موفق به دریافت پاسخ نگردید.

او چه پاسخی میتواند داشته باشد، به جز اینکه طبق معمول و به روال همیشگی همه چیز را انکار کند و بگوید که یک دروغ محض بوده و دسیسه دشمنان است و چند جفنگ دیگر نیز تحویل خبرنگار دهد. منتظر خبرهای داغ داغ باید بود تا دیده شود شب آبتن چیست و چه حوادثی خواهد زاد!!!

